

پیشنادهایی برای عبور از بحران

۴ اکنون زمان آن است که نخبران، دانشگاهیان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و مسئولان با هر گرایش، با تعهد راستین به منافع ملی، برای شکل دادن به یک جبههٔ اخلاقی- عقلانی مشترک دست در دست هم نهند. با این باور، من موارد زیر را به‌عنوان گام‌های نخستین پیشنهاد می‌کنم:

۱) در خواست از همهٔ سیاست‌گذاران برای بهره‌گیری از همهٔ توان داخلی، منطقه‌ای و جهانی برای پیشبرد جلوگیری از تنش بیشتر و کوشش برای حل هرگونه اختلاف بر پایهٔ گفت‌وگو، دیپلماسی، روش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز با بهره‌گیری از نهاده‌ا، پیمان‌ها و منشورهای بین‌المللی، ۲) درخواست از حاکمیت برای ایجاد فضای مناسب گفت‌وگو، گشودن عرصه برای بحث‌های جدی و نقادی‌های دانشگاهیان، استادان و همهٔ علاقه‌مندان، پیرامون تحلیل شرایط کنونی و عرضهٔ راه کار در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی.

۳) خواست توقف هرگونه اقدام نظامی علیه غیرنظامیان در منطقه، چه در غزه، چه در خاک ایران یا در هر جای دیگر.

۴) دعوت به گفت‌وگوهای مستقل ایرانی ـ منطقه‌ای در سطح دانشگاه‌ها، رسانه‌های بی‌طرف و مراکز فکری، با هدف احیای درک مشترک از صلح و عدالت.

۵) تأسیس گونه‌ای کانون ملی اخلاقی و حقیقت‌گویی مردم‌نهاد، متشکل از نخبگان مستقل، برای مستندسازی و بازاندیشی تصمیم‌های پرهزینه‌ی سیاسی.

۶) تقویت صدای زنان، جوانان و قربانیان جنگ در سپهر همگانی، به‌منظور التیام آلام آسیب‌دیدگان از یک‌سو و نمایاندن چهرهٔ کریه جنگ از سوی دیگر، در چارچوب طلب همدلی و همبستگی بنیادین میان همهٔ انسان‌ها. ۷) کمک به ایجاد شبکه‌های مردم‌نهاد برای حمایت‌های گوناگون مادی، روانی، فرهنگی و بهداشتی از قربانیان، یاری‌رسانی به حفظ زیرساخت‌ها و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیدهٔ تأسیسات گوناگون و تقویت همبستگی ملی و منطقه‌ای.

واپسین سخن: ایران

نه میدان جنگ، بلکه خانهٔ گفت‌وگو

تاریخ ما بارها نشان داده که هرگاه هـر ملتی از مسیر خشونت حرکت کرده است، هم خود آن ملت سوخته است و هم دیگران را سوزانده است. ایران صلح‌طلب می‌تواند خانهٔ گفت‌وگو باشد. نه گفت‌وگوی میانِ تُنهی سیاسی، بلکه گفت‌وگویی ژرف، ریشه‌دار و فلسفی که از تجربهٔ هزاران سالهٔ دلیرانه برای حفظ ارزش‌های جمعی و منافع گروهی و یک‌پارچگی سرزمینی بر خاسته و در پیِ رهاییِ نه‌تنها خود، بلکه منطقه و نوع انسان، در چارچوب ارزش‌هایی است که می‌توان از آن چونان «مکتب ایرانی صلح» یاد کرد.

در پایان، فروتنانه همهٔ اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر در سرنوشت ایران را – از مسئولان دلسوز و میهن‌دوست راستین تا ایرانیان داخل و خارج، همهٔ دلبستگان به ایران فرهنگی و این ایران که با هر نقدی به حاکمیت آن در هر مقطع تاریخی به‌راستی کانون اصلی تجلی و حفظ میراث آن ایران فرهنگی بوده است – به روی آوری به «خرد ایرانی» دعوت می‌کنم؛ خردی که از «حق»، «عدالت»، «آزادگی» و «آزادی‌خواهی» آغاز می‌کند و به «کرامت انسانی» و «صلح» برای خود و برای همهٔ انسان‌ها می‌رسد.

در جهانی که

رسانه‌ها از جنگ،

خشونت، حذف و

انتقام بهره‌برداری

می‌کنند، ما باید به

فلسفهٔ صلح روی

آوریم: فلسفه‌ای

استوار بر منطق

احترام به دیگری،

حتی اگر دشمن

باشد؛ منطق

گفت‌وگو، حتی در

میان میدان‌های نبرد

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

سال چهارم. شماره ۸۰۹

www.hammihanonline.ir

آزادی اینستاگرامی

دیکتاتوری دیجیتال

اینستاگرام محتواهای کاربران ایرانی علیه اسرائیل را سانسور می‌کند

و هم‌زمان می‌گوید به آزادی بیان پایبند است



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

در شرایطی که اسرائیل با نقض فاحش موازین حقوقی، سیاسی و اخلاقی بین‌المللی آشکارا وارد جنگ با ایران شده، کاربران زیادی گزارش داده‌اند که متنا، شرکت مالک پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و فیس‌بوک اجازه انتشار محتواهای مربوط به ایران را نمی‌دهد. میلیون‌ها کاربر ایرانی هم‌زمان با عملیات انتقام سخت، پرچم کشورمان را استوری کرده بودند که اینستاگرام این محتواها را حذف کرد. الگویی آشنا که از سال ۲۰۲۳ و با جنگ اسرائیل و فلسطینیان در نوار غزه، به‌روبه‌ای عادی تبدیل شده است.

شواهی از سرکوب و سانسور

در سال‌های اخیر، شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبادل اطلاعات و افکار عمومی تبدیل شده‌اند. بااین حال، این پلتفرم‌ها به‌خصوص در زمینه سیاست‌های مدیریت، محتوایشان محل انتقاد بوده‌اند. یکی از موضوعات حساس و جنجالی، اتهام سانسور سیستماتیک محتوا علیه یک گروه یا کشور و دادن امتیاز به طرف مقابل و به‌طور مشخص اسرائیل است. اتهامی که نگرانی‌هایی درباره اصل بی‌طرفی و تأثیرگذاری سیاسی بر سیاست‌های این شرکت به‌خصوص بی‌معناشن موضوعاتی مانند آزادی بیان و حقوق بشر ایجاد کرده است.

شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، متا در اجرای سیاست‌های مدیریت محتوای خود سوگیری دارد و رویه‌ای مشخص ندارد. سازمان دیده‌بان حقوق بشر، دسامبر سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۰۵۰ مورد حذف یا سرکوب محتوا را مستند کرد که اکثر آن‌ها مربوط به محتوای حامی فلسطین بوده‌اند. سال گذشته نیز گزارشی با استناد به داده‌های متا منتشر شد که این شرکت به ۹۴ درصد از درخواست‌های اسرائیل برای حذف محتواها پس از حمله هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ حماس، پاسخ مثبت داده است. این سایت فاش کرد که شرکت متا بیش از ۹۰ هزار پست را در پاسخ به تقاضای دولت اسرائیل، پاک کرده است. همان زمان کاربران زیادی گزارش دادند که پست‌هایشان درباره فلسطین حذف شده یا به‌عنوان «محتوای آسیب‌رسان» برچسب‌گذاری شده‌اند. در برخی موارد حتی ذکر یک کلمه خاص نیز در پست‌های خبری یا انتقادی، منجر به حذف محتوا شده است.

تبعیض و نفوذ دولتی

از سال ۲۰۲۱ به این سو، کاربران و گروه‌های حقوق بشری پیوسته سرکوب و سانسور محتوا در متا را گزارش کرده‌اند. یک موضوع در تمام این گزارش‌ها مشترک است: سانسور سیستماتیک است، الگوریتم‌ها ناقص است، تبعیض بی‌داد می‌کند و از همه مهم‌تر دولت‌هایی مانند اسرائیل در ساختار این شرکت نفوذ زیادی دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که متا در سیاست‌های مدیریت محتوای خود آشکارا میان کاربران تبعیض قائل می‌شود. جنگ اوکراین و روسیه و مقایسه‌اش با حملات اسرائیل به مردم غزه و جنگ اخیرشان با ایران، به‌خوبی این سیاست تبعیض‌آمیز نشان می‌دهد. در جنگ اوکراین و روس‌ها این شرکت به پرواگرایی‌ها اجازه می‌داد پست‌هایی با محتوای خشونت‌آمیز علیه نیروهای روسی منتشر کنند. برای نمونه آروزی مرگ برای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه یا انتشار خبرها و تصاویر مرتبط با تلفات نیروهای روسی در جنگ نه‌تنها

بر چسب خشونت‌بار یا نفرت‌پراکن

نمی‌خوردند، حتی به حمایت از

آزادی بیان در برابر تهاجم تعریف

می‌شدند. نیویورک تایمز در سال

۲۰۲۲ گزارشی منتشر کرد با این

مضمون که متا شش بار سیاست‌ها

و الگوریتم‌های خود را در طول

جنگ تغییر داد تا کاربران اوکراینی

آزادی عمل بیشتری در انتشار

محتوا داشته باشند اما از آن سو

سیاست‌های سختگیرانه‌تری

نسبت به فلسطینی‌ها اعمال شد.

فشارهای اسرائیل، از جمله

درخواست‌های دولتی و نقش

مقامات داخلی متا، به‌نظر می‌رسد

در سانسور محتوای فلسطینی

تأثیرگذار است، اما مهم‌ترین

انتقادی که به متا وارد است، نقش

دولت اسرائیل در حذف محتواها

۱۵

مهیمن

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

سال چهارم. شماره ۸۰۹

www.hammihanonline.ir

جهان عرب

شاهدعینی



سعید دهقانی

منتقد و نویسنده

مشهور است که می‌گویند: تاریخ، نمی‌آفریند بلکه «کشف» می‌کند. در نتیجه تاریخ‌نگاران کاشفانی هستند که از دل هزاران رویداد خرد و کلان در گذشته، روایتی را برمی‌گزینند که منطقی‌ترین و عقلانی‌ترین روایت موجود باشد. برای یک مورخ فلسطینی هم چه چیزی واقعی‌تر از گزارش دادن از رنج در تبعید بودن است؟ در هفته‌ای که گذشت، نویسنده و مورخ بر جسته فلسطینی، «علی سعید بدوان» در سن ۶۶ سالگی درگذشت. او در زمینه تاریخ شفاهی فلسطین، یکی از قطارداران بود. در جهان عرب شناخته‌شده بود و مهمان تلویزیون‌های مختلف عرب‌زبان می‌شد. البته شهرت و محبوبیت او بیشتر به‌خاطر تألیفاتش بود تا برنامه‌های تلویزیونی. بدوان از نسل فلسطینیانی بود که در اردوگاه «یرموک» در حاشیه دمشق رشد یافت. او از اهالی شهر تاریخی حيفا بود؛ شهری که خانواده‌اش پس از سال ۱۹۴۸ ناچار به ترک آنجا شدند. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدارس وابسته به آژانس امداد و اشتغال آوارگان فلسطینی (آنرو) به پایان رساند. سپس وارد دانشگاه دمشق شد و در رشته علوم پایه، شامل فیزیک و شیمی، به تحصیل پرداخت. بدوان همچنین موفق به اخذ دیپلم در رشته تعلیم و تربیت شد. افزون بر این، او گواهی‌نامه‌ای در علوم نظامی از دانشکده پیاده‌نظام، در دوران خدمت‌اش در ارتش آزادی‌بخش فلسطین را نیز دریافت کرد اما چون تشنه مشارکت در تعیین سرنوشت خود و هم‌وطنانش بود، به جهان سیاست روی آورد. بدوان، مشارکت سیاسی خود را از سال ۱۹۷۴ در صفوف جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین آغاز کرد. او از جمله چهره‌هایی بود که در جریان تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ حضور داشت که در آن واقعه به‌شدت مجروح شد و به‌دلیل آسیب‌های وارده، بعدها تحت عمل پیوند کبد قرار گرفت. بدوان پس از کناره‌گیری از فعالیت‌های حزبی در سال ۲۰۰۳، تمام وقت خود را به تألیف و پژوهش اختصاص داد و قلم‌اش، زبان گویای ده‌ها روایت نگاشته از زندگی فلسطینیان در سوریه شد. از همان زمان بود که مورد استقبال رسانه‌ها قرار گرفت و به چهره‌ای مشهور بدل شد. او همچنین مسئولیت اداره دفتر رسانه‌ای سازمان آزادی‌بخش فلسطین در دمشق را برعهده داشت و از جمله کنشگران برجسته‌ای بشمار می‌رفت که نقشی فعال در گفت‌وگوهای عمومی پیرامون تحولات اجتماعی و سیاسی در اردوگاه‌های آوارگان ایفا کرد. علی بدوان نگارش حدود ۲۰ عنوان کتاب را در کارنامه خود دارد که موضوعاتی چون تاریخ شفاهی فلسطین و تحلیل تاریخ فلسطین را دربرمی‌گیرند. از جمله آثار برجسته او می‌توان به کتاب‌های: «قدس، پناهندگان و مذاکرات نابرابر» (۱۹۹۷)، «چپ فلسطینی» (۱۹۹۸) و «پناهندگان فلسطینی در سوریه و عراق: از ریشه‌کنی تا بازگشت» (۲۰۰۰) اشاره کرد. علاوه بر این، او صدها مقاله در روزنامه‌های معتبر عربی منتشر کرد که به‌بررسی جنبه‌های گوناگون مسئله فلسطین و پیوندهای آن با تحولات منطقه‌ای می‌پرداختند. جای خالی ترجمه آثارش به فارسی، در کتابخانه‌های پژوهشگران خالی است. چرا که آن چه او نوشت، در نوع خود کم‌نظیرند. چرا؟ چون در آثار بدوان آن چه پررنگ است، واقع‌نگاری بی‌تعصب است. به عبارت دیگر او کوشیده، هویت فلسطینی خود را در نزاع اسرائیل و فلسطین فراموش کند تا بتواند روایتی منصفانه از مسئله فلسطین بنگارد. اگرچه در ایران و برخی دیگر کشورهای خاورمیانه مسئله فلسطین، مسئله‌ای دینی و سیاسی تلقی می‌شود و رسانه‌های حکومتی از این منظر صهیونیسم را بررسی می‌کنند اما در آثار بدوان، فیلترهای دین و قومیت برداشته شده و نگاهی تماماً انسانی به مسئله فلسطین داشته است. به‌طوری‌که خوانندگان غربی نیز با آن چه او روایت می‌کند به‌راحتی ارتباط برقرار می‌کنند. ویژگی دیگر آثار بدوان این است که خواننده درمی‌یابد آن چه او نوشته، صرفاً تاریخ‌نگاری نیست بلکه تفسیری سوسیالیستی از تاریخ را نیز در خود دارد. با این عینک به فلسطین نگاه می‌کرده، همین‌طور آثار بدوان به‌عنوان آمیزه‌ای از تحلیل سیاسی و مستندنگاری شناخته می‌شوند. هدف او از نگارش این متون، حفظ حافظه جمعی فلسطینیان بود؛ به‌ویژه در دوران آوارگی، مبارزه و جست‌وجوی هویت، در دل اردوگاه‌هایی که در معرض فراموشی و حاشیه‌نشینی قرار گرفته بودند. از منظر بسیاری، به‌عنوان شاهدی عینی بر تجربه فلسطینیان در تبعید شناخته می‌شود. شاید بتوان گفت تاریخ شفاهی پناهندگان فلسطینی، بخش مهمی از آثار او هستند. هرچه باشد بدوان نمونه‌نادری از فلسطینیانی بود که رنج غربت را با قلمی روان به‌نثر درآورد تا در آرشيو تاریخ برای آیندگان باقی بماند. اگرچه نام علی سعید بدوان برای ایرانی‌ها شناخته‌شده نیست، اما برای بخش اعظمی از جهان عرب، نام و چهره شناخته‌شده‌ای داشت.